



نیمهٔ پر لیوان

زمان و روش
تشویق دانش‌آموزان

یکی از دغدغه‌های ما معلمان این است که بدانیم چه زمانی و چگونه باید دانش‌آموزان را تشویق کنیم تا تشویق آثار انگیزشی خود را از دست ندهد، و اینکه تنبیه چگونه باشد تا به بیداری و هوشیاری دانش‌آموزان منتهی شود و....
در این شماره در نشستی صمیمانه با آقای دکتر خسرو باقری تشویق و تنبیه را از منظر عاملیت انسان به گفت‌وگو نشستیم.

گفت‌وگوی معلمان
با دکتر خسرو باقری،
استاد فلسفه تعلیم و تربیت

زینب وکیل
عکس: غلامرضا بهرامی





بچه‌ای یک نقاشی می‌کشد این محصول کار او به نحوی تمام امید و گرایش و انگیزه عمل وی را متجلی می‌کند و برعکس اگر او نتواند وظیفه‌اش را انجام دهد متنبه می‌شود و آزار می‌بیند. تنبیه به معنی آگاه کردن همین جنبه را دارد، هم رنج می‌بریم که ناکامیم و هم به فکر می‌رویم که چرا موفق نشدیم و کجا اشتباه می‌کنیم.

در اینجا با تأمل بر عمل خود (reflection on action) روبه‌رو هستیم

پس معنای عمل خود می‌تواند حامل تشویق و تنبیه باشد. اینکه در نظام تکوین عالم طوری است که عمل‌ها یا به نتیجه می‌رسند یا نمی‌رسند این خود تشویق و تنبیه است. چوب دیگری از بیرون نیاز نیست.

ما گاهی می‌توانیم یک عنصر بیرونی را هم ضمیمه عمل و نتیجه‌اش کنیم. تا به صورت یک ضمیمه حاکی از آن نتیجه باشد. به شرطی که از حالت ضمیمه بودن فراتر نرود. اما گاهی اوقات این ویژگی معکوس می‌شود. یعنی افراد به جای اینکه نتیجه عمل را لحاظ کنند و بعد چیزی هم سمبلی باشد حاکی از موفقیت مسئله برعکس می‌شود. جایزه خودش حکم هدف را پیدا می‌کند. ما یک نشانه و یک مرجع داریم.

← معلم: مرجع مهم است. مثل فلسفی که مسیر قله را نشان می‌دهد. اگر به جای اینکه به قله برسیم به فلش خیره شویم، بی راهه رفته‌ایم.

عمل انسان یک طرح است، این طرح یا نتیجه می‌دهد یا نمی‌دهد. اگر عمل آدمی نتیجه داد، خود نتیجه می‌تواند مشوق او باشد که البته مشوقی قدرتمند و درونی است

است که آیا خداوند به مهرش یا به قهرش اولویت می‌دهد و ما باید ابتدا انذار کنیم یا تبشیر؟ از منظر عاملیت انسان که یک رویکرد اسلامی است تشویق و تنبیه در حول عمل انسان می‌گردد در این صورت اتخاذ این رویکرد معنادار می‌شود. یعنی باید معیار تشویق و تنبیه عمل افراد باشد، به عبارت دیگر تشویق و تنبیه چیزی زاید و خارج بر عمل انسان نیست. در این رویکرد تأکید بر این است که نباید این عنصر را زاید تلقی کنیم بلکه دایره مدار تشویق و تنبیه خود عمل است و لازم نیست چیزی اضافه وارد داستان شود. این به چه معناست؟ خود عمل انسان، می‌تواند انسان را از لحاظ نتایج مورد تشویق و تنبیه قرار دهد. عمل انسان یک طرح است، این طرح یا نتیجه می‌دهد یا نمی‌دهد. اگر عمل آدمی نتیجه داد، خود نتیجه می‌تواند مشوق او باشد که البته مشوقی قدرتمند و درونی است. وقتی

← معلم: یکی از موضوعاتی که در اداره کلاس برای ما معلمان مهم است تشویق و تنبیه است، اگر موافق هستید در این جلسه تشویق و تنبیه را با رویکرد عاملیت معلم بررسی کنیم.

دکتر باقری: در مدیریت کلاس درس تشویق و تنبیه امری اجتناب‌ناپذیر است و این یکی از زوج‌های مفهومی است که در تعلیم و تربیت به کار می‌رود. حالا اینکه کدام یک از این دو بیشتر مورد تأکید است حرف‌هایی درباره آن زده شده است. مثلاً در تعلیم و تربیت سنتی ما در گذشته بیشتر تنبیه جای داشت تا تشویق. گویا «چوب تر» در تربیت سنتی ما جای بیشتری دارد. اما در بحث‌های روان‌شناسی معاصر بر تشویق بیشتر تأکید شده است. گفته‌اند که تنبیه تربیت منفی است، یعنی اگر بچه کار بدی کرد باید در قبال آن سکوت کرد ولی کار خوبش را باید تشویق کرد. در قرآن کریم هم بهشت و جهنم دو مفهوم اساسی ناظر بر تشویق و تنبیه هستند.

در ربوبیت خداوند یک رویکرد اساسی وجود دارد و آن این است که خداوند مشغول تربیت مردم است. به همین دلیل از مکانیزم تشویق و تنبیه هم استفاده زیادی شده است و کاربرد زیاد بهشت و جهنم این مسئله را تداعی می‌کند. در قرآن، به خصوص در مورد جهنم، تصویرسازی‌های هشدار دهنده‌ای می‌شود و بحث است که کدام یک مقدم است؟

در اندیشه اسلامی این سؤال مطرح



دکتر باقری: در تعلیم و تربیت گاهی فلسف آن قدر مهم است که بچه تلاش می کند جایزه را به دست آورد و عمل بهانه ای برای جایزه است. گاهی تلویزیون مسابقه می گذارد. مثلاً مطالعه آثار شهید مطهری؛ و جایزه های خوبی هم می دهد. افراد زیادی شرکت می کنند. اینجا هدف برنامه ریز و شرکت کننده ها کاملاً برعکس هم هستند. در داستانی از مولانا می خوانیم که روزی مجنون بر شتری سوار بود و شتر هم تازه بچه آورده بود. مجنون شتر را از بچه جدا کرد و بر آن سوار شد و به سوی خانه لیلی رفت. به خانه او که نزدیک شد افسار را شل کرد. مثل اینکه دیگر مهارى در کار نیست. کم کم سرش را کج کرده و به سمت بچه اش رفت و چشم های مجنون هم که بسته بود دید که کنار بچه شتر است. اتفاقی که در تعلیم و تربیت ما افتاده است مانند این مثال است، یعنی عمل فرد از محوریت خارج شده و ما را از هدف دور کرده است. ما خود عمل را محور تشویق و تنبیه می کنیم و عنصر زاید را حذف می کنیم.

شما می توانید یک نمایشگاه از کارهای بچه ها روی دیوار بزنید و این خود تشویق آن هاست. اما ذائقه بچه ها خراب شده است و آن ها از این کار لذت نمی برند.

در تنبیه به معنی آگاه کردن، هم رنج می بریم که ناکامیم و هم به فکر می رویم که چرا موفق نشدیم و کجا اشتباه می کنیم

انسان باید از عملش لذت ببرد. باید اجازه درک لذت را از کارشان به آن ها بدهید. خود عمل قدرت فوق العاده زیادی دارد در انگیزش انجام کار خوب یا ترک کار بد.

معلم: نظر شما در مورد حمایت های مثل لبخند و ... که از جنس عمل نیستند، چیست؟

دکتر باقری: فضای حمایتی عاطفی که اشاره کردید و باید وجود داشته باشد غیر بحث تشویق و تنبیه است. تعلیم و تربیت فضای تعامل است و این فضا وقتی انسان را عامل می داند به او احترام می گذارد. بحث دیگر تشویق و تنبیه است که هم مربوط و هم معطوف به عمل فرد است و وقتی یک عنصر بیرونی زاندی را می آوریم

کار خراب می شود. **معلم:** جامعه ما به شدت درگیر تشویق های بیرونی است، گذار از این شرایط چگونه ممکن است؟ **دکتر باقری:** این یک اشکال است اولاً؛ از این جهت که افراد دچار انحراف بینایی شده اند، یعنی وسیله را هدف می بینند در حالی که هدف ما رشد است. تشویق و تنبیه عمل محور کم خرج و کم زحمت است. حال چگونه می توان از این اشتباه دور شد؟ باید به تدریج و با شیب ملایم از تنبیه و تشویق به سمت عمل برویم. یعنی باید روی خود کار متمرکز شد.

برای مثال معلمی که ستاره ای را برای تشویق نقاشی به دانش آموز می دهد باید تمرکز خود را روی خود نقاشی ببرد. مثلاً به او بگوید این رنگ آبی که به کار برده ای چه زیباست، یا مثلاً در دانشگاه وقتی استاد مقاله دانشجوی خود را می خواند نکات مثبت را پررنگ کند، انرژی اصلی معلم و دانش آموز باید برای بررسی خود عمل صرف شود.

معلم: در چند مثالی که شما زدید به نحوی همه این ها بازخوردهایی است که به عمل برمی گردد و در ذهن من بین این ها تفکیکی وجود ندارد، اقتضائات محیطی است که این برخوردها و عکس العمل ها را به جامعه دیکته می کند. ما خیلی شفافیت

نداریم. خیلی تحمل بازخورد شدید را نداریم. پس مناسب‌تر برای این وضعیت اجتماعی و فرهنگی ما همان تشویق و تنبیه است.

دکتر باقری: به چه معنا؟

معلم: همان تشویق و تنبیه خارجی...

دکتر باقری: چرا بهتر است؟

معلم: چون جایگزینی برای آن نداریم.

دکتر باقری: چرا نداریم؟ همان عمل محور بودن می‌تواند جایگزین شود.

معلم: ما چقدر حاضریم داده‌های عمل را منتشر کنیم، ما چقدر حاضریم داده‌های عملکرد واقعی آموزش و پرورش را منتشر کنیم، در چنین فضایی بهترین کار تشویق و تنبیه خارجی است، این یک مسئله فردی نیست که بتوان به راحتی سم‌زدایی کرد.

دکتر باقری: گاهی ما می‌فهمیم یک غلطی وجود دارد، حالا چه فردی چه اجتماعی، اگر فهمیدیم کاری غلط است خوب نباید آن را ادامه داد، باید در فکر اصلاح آن بود، باید بدانیم کدام با منطق تربیت سازگارتر است و با همه سختی آن را اصلاح کنیم.

معلم: اما این بازخوردها هستند که مهم‌اند نه خود عمل.

دکتر باقری: این گونه نیست. باید دید که این بازخوردها از کجا سرچشمه می‌گیرند. بله ما در خلأ نیستیم و اصلاً تعلیم و تربیت در تعامل حاصل می‌شود. پس معلم عکس‌العمل را نشان خواهد داد. بحث بر سر دو نوع عکس‌العمل است، عکس‌العملی که در اثر عمل است و یا عکس‌العملی که در آن «نشانه» به جای «مقصود» می‌نشیند. این‌ها بازخوردهای منحرف است، عمل را اصلاح نمی‌کند. اگر ما بپذیریم تشویق و تنبیه عمل محور، هم با منطق تربیت هماهنگ‌تر است و هم کم‌هزینه‌تر و راحت‌تر است می‌توانیم به‌سراغ اصلاح وضعیت کنونی برویم.

معلم: من فکر می‌کنم تشویق و تنبیه مرحله سوم است یعنی مثلاً رادیو و تلویزیون وقتی مردم شوقی برای مطالعه کتب شهید مطهری ندارند

مسابقه می‌گذارد. در مدرسه هم چنین است. ما معلمان تشویق و تنبیه را می‌گذاریم که عمل انجام شود، چون خیلی اوقات بچه‌ها انتخاب نکرده‌اند که به مدرسه بیایند و نمره به هدف تبدیل شده است.

دکتر باقری: پله فردی کاری را دارد می‌کند که اصلاً نمی‌خواهد انجام دهد. ما در آموزش و پرورش یک جایزه کنار درس می‌گذاریم و می‌گوییم به خاطر این درس بخوان. ما می‌توانیم تشویق خود را عمل محور کنیم، مثلاً چرا دانش‌آموزی را که از سر سیری آمده است و از ریاضیات خوشش نمی‌آید و در این درس نمره ۴ گرفته است، طعم این ۴ نمره مثبت را به رخش نمی‌کشیم؟ اگر او طعم این چهار تا مثبت را چشید آن ۱۶ نمره منفی

تشویق و تنبیه عمل محور، هم با منطق تربیت هماهنگ‌تر است و هم کم‌هزینه‌تر و راحت‌تر است

صورت دیگری پیدا می‌کند. بار بعد ۴ می‌شود ۶ و همین‌طور روی خود عمل کار می‌کنیم و این توجه به عمل می‌شود. بعضی ازدواج می‌کنند و بعد عاشق می‌شوند و گاهی برعکس است. مسائل آدمی هم همین است. ما بعضی کارها را دوست نداریم و مجبوریم بپذیریم. بحث بر سر این است بعضی اوقات در کاری که نمی‌خواهیم انجام بدهیم، موفقیت نسبی را در نظر می‌گیریم و آن را پررنگ می‌کنیم و نشان می‌دهیم که این دیده شده، پس تشویق عمل محور حتی در مواردی که افراد ناخواسته اقدام به کاری کرده‌اند، راه صحیح و درستی است.

معلم: من یک کلاس ۳۰ نفره دارم که ۲۰ نفرشان درس را دوست ندارند و من می‌خواهم امتحان بگیرم و معطوف شوم به نکات مثبت هر برگه، من یک معلم و برای این کار حداکثر ۵ ساعت وقت می‌گذارم، اما کاری که شما می‌گویید ۲ نفر دیگر باید در کنار من باشند که این کار عملی شود، آنچه سخت است عملی بودن این کار است چون وقت تنگ است و مداخلاتی هم از جانب خانواده و هم مدرسه وجود دارد.

دکتر باقری: شما اگر به درستی کاری معتقد شدید می‌گردید و نحوه عملی کردن آن را در می‌یابید. می‌دانید که سقراط درس نمی‌داد و فقط سؤال می‌کرد، با این روش فرد را به یافتن جواب می‌کشاند. باید راه‌های مختلف را پیدا کرد و امتحان کرد تا بتوان اهداف تعلیم و تربیت را پیاده کرد. حالا اگر صد در صد هم نشد عیبی ندارد.

در کلاس ۳۰ نفره باید ابتکار عمل داشت، در تدریس و همکاری بچه‌ها باید بتوان اهداف تعلیم و تربیت مثل فهمیدن مطلب، همکاری اجتماعی و ... را پیاده کرد.

معلم: بچه‌ها را می‌توان طوری گروه‌بندی کرد که دانش‌آموز ضعیف توسط دانش‌آموز قوی درس یاد بگیرد و دانش‌آموز قوی تشویق شود یا مثلاً طراح سؤال خود بچه‌ها باشند و به بهترین سؤال نمره داد.

دکتر باقری: خب این خود می‌تواند یک روش برای درگیر کردن بچه‌ها و یادگیری آن‌ها باشد. اینکه همیشه بار بر دوش معلم باشد تا آن را به قله برساند و دوباره آن را به پایین بیاورد صحیح نیست، بلکه باید این بار را توزیع کند، کار تعلیم و تربیت تعامل است پس فقط کار معلم نیست باید تقسیم شود. این معلم است که باید ببیند چگونه این تقسیم کار صورت می‌پذیرد که هم اهداف تعلیم و تربیت عملی شوند و هم معلم هلاک نشود. بدترین معلم تمام ساعت درس می‌دهد، بهترین معلم کار را توزیع می‌کند البته نه اینکه بچه‌ها را سر کار بگذارد.